



یکی از شیوه‌های اصلی تحلیل گران مالی در ارزیابی شرکتها، استفاده از صورتهای مالی آنهاست. تحلیل گران صورتهای مالی یک شرکت را می‌گیرند و با اقدامات مقایسه اقدام به تجزیه و تحلیل آنها می‌کنند. در تجزیه و تحلیل شرکتها سعی می‌شود وضعیت سود آوری، ریسک مالی، وضعیت تولید و فروش، وضعیت بدهی و حاشیه سود شرکت به طور کامل بررسی گردد. ذینفعان شرکت اعم از سهامداران، بستانکاران و افراد طرف معامله با شرکت می‌توانند با استفاده از تجزیه و تحلیل‌های انجام شده بر روی صورتهای مالی یک شرکت خود را در وضعیت مناسبی با آن قرار دهند. اگر ریسک مالی شرکت بالا باشد سهامداران ممکن است اقدام به فروش سهام خود کنند و یا بستانکاران سعی می‌کنند اعتبار کمتری به شرکت بدهند و یا در مقابل وضعیت بستانکاری خود بازدهی بیشتری را طلب کنند.

• انواع تجزیه و تحلیل صورتهای مالی

تجزیه و تحلیل صورتهای مالی به دو گروه تجزیه و تحلیل افقی و تجزیه و تحلیل عمودی تقسیم می‌شود.

الف) تجزیه و تحلیل افقی:

این نوع تجزیه و تحلیل، اطلاعات صورتهای مالی را برای چند دوره مالی بر مبنای اطلاعات سال پایه بیان می‌کند و موفقیت در هر دوره مالی با مقایسه اطلاعات سنوات قبل بررسی می‌شود و خود به دو دسته صورتهای مالی مقایسه‌ای و بررسی روند تقسیم می‌شود.

1) صورتهای مالی مقایسه‌ای:

به تجزیه و تحلیل صورتهای مالی در دو دوره متوالی اطلاق می‌شود، تحلیل کنندگان مالی تغییر مطلق ارقام صورتهای مالی و همچنین درصد تغییر از یک سال به سال دیگر را محاسبه می‌کنند، بدین ترتیب اطلاعات جامع‌تری از صورتهای مالی استخراج می‌شود.

2) بررسی روند:

در این بررسی روند ارقام مهم مندرج در صورتهای مالی با مبنای قراردادن سال پایه بررسی می‌شود به همین دلیل واحدهای تجاری در اغلب موارد ارقام مقایسه‌ای برای دوره‌های متوالی 5 تا 10 ساله را ارایه می‌کنند تا مقایسه‌های بیشتری انجام پذیرد. این تجزیه و تحلیل اهمیت بیشتری از تحلیل صورتهای مالی مقایسه‌ای در دو دوره متوالی دارد، زیرا دوره‌ها بیشتر روند ارقام را بهتر منعکس می‌کند، تغییر از یک دوره مالی به دوره مالی بعد ممکن است الزاماً بخشی از یک روند کلی محسوب نشود زیرا ممکن است این تغییر در شرایط غیر عادی اقتصادی با وقوع چند رویداد غیر مکرر ایجاد شده باشد، مثلاً افزایش قابل ملاحظه در سود هر سهم سال جاری ممکن است ناشی از فروش اوراق بهاداری باشد که چند سال قبل خریداری شده است، که در سالهای آتی تکرار نگردد لذا مقایسه سود خالص در یک دوره 5 ساله ممکن است این حقیقت را که افزایش سود در سال جاری در روال عادی عملیات نبوده است آشکار نماید.



مثال 1: صورت سود و زیان پنج سال متوالی شرکت X بشرح زیر است :

شرکت X

صورت سود و زیان مقایسه ای 1372 الی 1376

1376	1375	1374	1373	1372	
1159863	1208061	1107128	978692	871505	فروش
952176	966568	882362	760213	663840	بهای تمام شده کالای فروش رفته
150665	132077	107140	107484	93801	هزینه های عمومی اداری
21891	16038	9526	8151	8400	هزینه بهره
6300	35300	42300	43900	46600	مالیات بردرآمد
28831	58078	65800	58944	58864	سود خالص

تجزیه و تحلیل صورت سود و زیان مقایسه ای سالهای 1375 و 1376 به شرح زیر است :

درصد تغییر	مبلغ تغییر ¹	1376	1375	
(4 %)	(48198)	1159863	1208061	فروش
(1/5)	(14392)	952176	966568	بهای تمام شده فروش رفته
14	18588	150665	132077	هزینه های عمومی اداری
36	5853	21891	16038	هزینه بهره
(82)	(29000)	6300	35300	مالیات بردرآمد
(50)	(29247)	28831	58078	سود خالص

¹ ارقام داخل پرانتز نشان دهنده کاهش نسبت به سال قبل و ارقام خارج از پرانتز نشان دهنده افزایش نسبت به سال قبل است .



بررسی روند صورت سود و زیان پنج سال شرکت X به شرح زیر است .

1376	1375	1374	1373	1372	
%133	%139	%127	%112	%100	فروش
143	146	133	115	100	بهای تمام شده کالای فروش رفته
160	140	114	114	100	هزینه های عمومی اداری
261	191	113	97	100	هزینه بهره
14	76	91	94	100	مالیات
49	99	112	100	100	سود خالص

پس از انجام تجزیه و تحلیل فوق حداقل سه سوال زیر قابل طرح است :

(1) چرا سطح درآمد فروش پس از چند سال رشد، ناگهان کاهش یافته است ؟

(2) چرا سود خالص در سال 1376 شدیداً کاهش یافته است ؟

(3) چرا هزینه بهره در سال 1376 بطور چشمگیری افزایش یافته است ؟

در تجزیه و تحلیل صورتهای مالی هنگامی که از درصدیابی استفاده می شود باید توجه داشت که اگر ارقام سال پایه کوچک باشد تغییرات آتی مانده ها از نظر درصدی بسیار بزرگ جلوه خواهد کرد، در اینصورت بهتر است از تغییرات ریالی ارقام استفاده شود، مثلاً هزینه بهره در سال 1376 نسبت به سال 1372 به 261% رسیده است که علت آن کوچک بودن مبلغ هزینه بهره در سال 1373 است.

ب) تجزیه و تحلیل عمودی:

در تجزیه و تحلیل عمودی تمام اطلاعات مندرج در یک صورت مالی نسبت به ارقام همان صورت مالی بررسی می شود و به دو گروه صورتهای مالی استاندارد و تجزیه و تحلیل نسبت های مالی تقسیم می شود .



(1) صورتهای مالی استاندارد:

در این نوع تجزیه و تحلیل تمام اطلاعات مندرج در یک صورت مالی خاص بعنوان درصدی از یک رقم شاخص از همان صورت مالی بیان می‌شود برای مثال در صورت سود و زیان تمام اقلام بر حسب درصدی از فروش بیان می‌شوند یا در ترازنامه بعنوان درصدی از جمع دارائیه‌ها بیان می‌شوند.

صورت سود و زیان استاندارد شده شرکت X بر مبنای درصدی از فروش طی سالهای 1372 الی 1376 به شرح زیر است .

فروش	1372	1373	1374	1375	1376
%100	%100	%100	%100	%100	%100
بهای تمام‌شده کالای فروش‌رفته	76	78	79	80	82
هزینه های عمومی اداری	11	11	10	11	13
هزینه بهره	1	1	1	1	2
مالیات بردرآمد	5	4	4	3	1
سود خالص	7	6	6	5	2

صورت سود و زیان استاندارد شده تا حدود زیادی به سوالات مطروحه در بخش قبلی پاسخ می‌دهد برای مثال کاهش در سود خالص سال 1376 ناشی از افزایش در بهای تمام شده کالای فروش رفته، افزایش هزینه‌های عمودی اداری و افزایش در هزینه‌های بهره است. هنگامی که صورتهای مالی بیش از یک دوره استاندارد می‌شود باید در مقایسه ارقام استاندارد احتیاط کرد. برای مثال هزینه بهره سال 1375، 1% فروش است و در سال 1376، 2% فروش است، نمی‌توان ادعا کرد که هزینه بهره در سال 1376 دو برابر شده است مفهوم استاندارد کردن صورتهای مالی سنجش روابط بین ارقام صورتهای مالی در یک دوره است و نباید این اجزاء بعنوان یک روند بررسی شوند.

(2) تجزیه و تحلیل نسبت های مالی:

روابط دو یا چند رقم از یک صورت مالی را تجزیه و تحلیل نسبت های مالی گویند که امروزه بطور گسترده‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد. معمولاً نسبت‌های مالی برای ارزیابی چهار جنبه از عملیات محاسبه می‌شوند. این چهار جنبه عبارتند از:

- (1) نقدینگی
- (2) فعالیت
- (3) اهرم مالی
- (4) سود آوری



q نسبت های نقدینگی :

این نسبتها به استفاده‌کنندگان کمک می‌کند که بنیه مالی شرکت را در پرداخت بدهیهای کوتاه‌مدت در سررسید ارزیابی کنند و به دو گروه تقسیم می‌شود .

1. نسبت جاری:

این نسبت که نسبت سرمایه در گردش نیز نامیده می‌شود از تقسیم دارائیهای جاری به بدهیهای جاری بدست می‌آید و به عنوان یک شاخص توانایی تادیه تعهدات کوتاه‌مدت از محل دارائیهای جاری بشمار می‌رود.

شرکت X

ترازنامه مقایسه ای

1375/12/29	1376/12/29		1375/12/29	1376/12/29	
163453	181308	بدهیهای جاری	39064	38951	وجه نقد و اوراق بهادار کوتاه‌مدت
177841	212541	بدهیهای بلند مدت	138459	162521	حسابهای دریافتی - خالص
39074	39074	سهام ممتاز	270592	267663	موجودی کالا
55425	55450	سهام عادی	9410	25826	پیش پرداختهای هزینه
10415	10499	صرف سهام	18572	24599	سرمایه گذاری بلند مدت
399802	404969	سود انباشته	347581	361949	دارائیهای ثابت
—	—		22332	22332	سرقفلی
846010	903841	جمع بدهیها و سرمایه	846010	903841	جمع دارائیهها



شرکت X

صورت سود و زیان مقایسه ای

1375/12/29	1376/12/29	
1208061	1159863	فروش
(966568)	(952176)	بهای تمام شده فروش رفته
(132077)	(150665)	هزینه های عمومی دارای
(16038)	(21891)	هزینه بهره
93378	35131	سود قبل از کسر مالیات
(35300)	(6300)	مالیات بر درآمد
58078	28831	سود قابل تخصیص
(4817)	(4817)	سود سهام ممتاز
53261 سهم	24014 سهم	سود سهام عادی
11096	11066	تعداد سهام عادی
4/8 ریال	2/17 ریال	سود هر سهم عادی

مثال بدهی جاری شرکت X در پایان سال 1376 به مبلغ 181.308 ریال است، آیا توان باز پرداخت بدهی‌ها در سررسید وجود دارد؟ نسبت جاری شرکت X شاخص لازم را برای ارزیابی توانایی بازپرداخت بدهی و رضایت خاطر اعتبار دهندگان فراهم می‌کند. نسبت جاری در شرکت X به شرح زیر است .

نسبت جاری =	دارائیهای جاری
	بدهی های جاری

494961	دفعه 2/73 =
181308	

این نسبت نشان می‌دهد که بستانکاران می‌توانند اطمینان داشته باشند که مطالبات آنان در سررسید پرداخت می‌گردد واحد این نسبت، دفعه، مرتبه یا بار است و جهت آن نیز مثبت است یعنی هر چه بیشتر باشد از نظر اعتبار دهندگان بهتر است.



1. نسبت آنی (سریع) :

یکی از مشکلات نسبت جاری درجات متفاوت تبدیل به نقدینگی دارائیهای جاری است جهت رفع این مشکل از نسبت دیگری بنام نسبت سریع یا آنی استفاده می‌شود. این نسبت از تقسیم دارائیهای سریع بر جمع بدهیها بدست می‌آید، دارائیهای سریع شامل وجوه نقد و بانک، اوراق بهادار کوتاه‌مدت و حسابهای دریافتنی است، اقلامی همچون موجودی کالا، پیش پرداخت‌ها در محاسبه این نسبت لحاظ نمی‌شود تا بستانکاران و اعتباردهندگان کوتاه‌مدت بهتر بتوانند نقدینگی واحد تجاری را در بازپرداخت بدهیها ارزیابی کنند. نسبت سریع در شرکت X به شرح زیر است.

38951 + 162521	دفعه 1/11 =
181308	

نسبت سریع شرکت فوق الذکر بزرگتر از یک است آن بدین معنی است که تمام بدهیهای جاری را می‌توان از محل دارائیهای سریع پرداخت کرد .

q نسبت های فعالیت

نسبت‌های که عملکرد این واحد تجاری را در استفاده از دارائیهای جاری و غیرجاری نشان می‌دهد. نسبتهای فوق عبارتند از :

1. گردش موجودی :

گردش موجودی از تقسیم بهای تمام شده کالای فروش رفته بر متوسط موجودی یک دوره مالی بدست می‌آید. بهای تمام شده کالای فروش رفته بجای فروش در صورت کسر قرار می‌گیرد زیرا فروش شامل سود است. متوسط موجودی در مخرج کسر قرار می‌گیرد زیرا این نسبت فعالیت را در طول یک دوره نشان می‌دهد.

نسبت سریع =	حسابهای دریافتی + اوراق بهادار کوتاه مدت + نقد
	بدهی های جاری

نسبت گردش موجودی در سال 1376 شرکت سهامی سپهر به شرح زیر است :

موجودی کالا پایان دوره + موجودی کالا اول دوره

= متوسط موجودی کالا



بهای تمام شده کالای فروش رفته

گردش موجودی =

متوسط موجودی

952176

= 3/54 بار برای هر سال

$(270592 + 267663) / 2$

پایین بودن این نسبت ممکن است ناشی از کاهش فروش یا افزایش موجودی طی دوره باشد افزایش موجودی طی دوره عواقبی همچون افزایش هزینه نگهداری و جریان خروجی نقدی در بر دارد. گردش بالای موجودی ممکن است مشکلات کسری موجودی در پاسخگویی به نیازهای مشتریان را ایجاد نماید.

2. گردش حسابهای دریافتنی:

در تئوری گردش حسابهای دریافتنی از تقسیم خالص فروش نسیه بر متوسط حسابهای دریافتنی به دست می‌آید. در عمل صورت کسر بدلیل آنکه اغلب شرکتها فروش نسیه را به طور جداگانه گزارش نمی‌کنند، جمع فروشهای طی دوره است.

گردش حسابهای دریافتنی شرکت X به شرح زیر است:

فروش خالص
فروش خالص
گردش حسابهای دریافتنی =
متوسط حسابهای دریافتنی
 $(\text{مانده بدهکاران پایان دوره} + \text{مانده بدهکاران اول دوره}) / 2$

1159863

= 7/71 بار در هر سال

$(138459 + 162521) / 2$



3. متوسط دوره وصول مطالبات:

این نسبت متوسط روزهایی که طول می‌کشد تا فروش نسیه وصول شود را بیان می‌کند و از تقسیم عدد 360 روز بر گردش بدهکاران بدست می‌آید.

$$\text{روز در سال} = 47 = \frac{365}{7/71} = \frac{360}{\text{گردش بدهکاران}} = \text{متوسط دوره وصول مطالبات}$$

بطور متوسط 47 روز طول خواهد کشید تا حسابهای دریافتنی ایجاد شده ناشی از فروش نسیه به وجه نقد تبدیل شود.

4. گردش جمع دارائیه‌ها:

این نسبت از تقسیم خالص فروش بر متوسط دارائیه‌ها در یک دوره مالی بدست می‌آید. این نسبت بر چگونگی بهره‌وری از دارائیه‌ها تاکید دارد.

گردش جمع دارائیه‌ها در شرکت X به شرح زیر است.

$$\begin{aligned} \text{فروش خالص} &= \frac{\text{فروش خالص}}{\text{متوسط دارائیه‌ها}} = \frac{\text{فروش خالص}}{(2) / (\text{دارائیه‌های پایان دوره} + \text{دارائیه‌های اول دوره})} \\ &= \frac{1159863}{(846010 + 903841) / 2} = \frac{1159863}{874925.5} = 1.33 \end{aligned}$$

بار یا 274 روز در سال 1/33

گردش پایین این است نسبت موید هزینه‌های فرصت از دست رفته یا حداقل عدم کارایی در استفاده از دارائیه‌ها است. البته جهت درک بهتر این نسبت همراه با سایر نسبت‌های مالی گردد.

q نسبت های اهرمی

نسبت‌های اهرمی ریسک سرمایه‌گذاران و اعتبار دهندگان بلندمدت یک واحد تجاری را نشان می‌دهد، این نسبت‌ها همچنین اطلاعات مفیدی راجع به توان بازپرداخت بدهی‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت شرکت در سررسید فراهم می‌آورند، نسبت های اهرمی عبارتند از :



1. نسبت جمع بدهیها به جمع دارائیهها:

این نسبت اطلاعاتی راجع به توانائی واحد تجاری در تحمل کاهش خالص دارائیهها بر اثر زیانهای وارده بدون به مخاطره افتادن منابع اعتبار دهندگان را ارائه می‌کند، بالا بودن این نسبت بیانگر رسیک بالای اعتبار دهندگان بوده و موجب می‌گردد تا آنها نظر مساعدی نسبت به تمدید اعتبار یا اعطای اعتبار جدید نداشته باشند. سطح مطلوب این نسبت بستگی به ثبات سودآوری در طی سالیان متفاوت دارد هر چه ثبات سودآوری تاریخی بیشتر باشد اعتبار دهندگان و سرمایه‌گذاران نسبت‌های بالاتری را تحمل خواهند کرد. نسبت جمع بدهی‌ها به جمع دارائیهها در شرکت X به شرح زیر است .

$$\text{نسبت جمع بدهیها به جمع دارائیهها} = \frac{\text{جمع بدهیها}}{\text{جمع دارائیهها}} = \frac{393849}{903841} = 0/44$$

این نسبت نشان می‌دهد که کمتر از نصف دارائیهها از محل ایجاد بدهی‌ها تامین مالی شده است.

2. نسبت دفعات پرداخت بهره :

این نسبت بطور معمول از تقسیم سود قبل از بهره و مالیات بر هزینه بهره بدست می‌آید . علت استفاده از سود قبل از بهره و مالیات در صورت کسر آنست که این سود جهت پرداخت بهره در دسترس است. این نسبت برای ارزیابی توان واحد تجاری در پرداخت هزینه بهره سالانه بکار می‌رود. نسبت دفعات پرداخت بهره در شرکت X به شرح زیر است.

$$\text{نسبت دفعات پرداخت بهره} = \frac{\text{هزینه بهره} + \text{سود قبل از مالیات}}{\text{هزینه بهره}} = \frac{35131 + 1891}{21891} = 3/1$$

واحد این نسبت دفعه، مرتبه، یا بار است و بستانکاران و سرمایه‌گذاران جهت افزایش حاشیه ایمنی پرداخت بهره ترجیح می‌دهند که نسبت فوق بیشتر باشد.

q نسبت های سود آوری

هدف غائی مدیریت حداکثر کردن بازده سهامداران است و سود خالص بهترین ابزار برای تعیین عملکرد مدیریت در دستیابی به هدف مزبور است. بنابراین طبیعی است که سهامداران در مجموعه نسبت‌های مالی برای نسبت‌های سودآوری اهمیت بیشتری قائل بشوند. نسبت‌های سودآوری عبارتند از :



1. نسبت سود خالص به فروش :

این نسبت از تقسیم سود خالص بدست می‌آید و میزان بازدهی را به ازای هر ریال از فروش نشان می‌دهد. نسبت سود خالص برای شرکت X به شرح زیر است .

$$\text{نسبت سود خالص به فروش} = \frac{\text{سود خالص}}{\text{فروش خالص}} = \frac{28831}{1159863} = 0/025$$

ضعف این نسبت آنست که بسیاری از هزینه‌ها همانند هزینه تامین مالی که در محاسبه سود خالص لحاظ شده‌اند ارتباطی به فعالیت فروش ندارند. این نسبت در ظاهر مطلوب نیست و نمی‌توان بطور قاطع نسبت به سودآوری واحد تجاری اظهار نظر کرد ابزار بهتر در ارزیابی سودآوری واحد تجاری نسبت سود عملیاتی به فروش است.

2. نسبت سود عملیاتی :

این نسبت از تقسیم عملیاتی به فروش خالص بدست می‌آید اقلام غیر عملیاتی همچون درآمد و هزینه بهره، سود و زیان واگذاری دارائیه‌ها در محاسبه سود عملیاتی منظور نمی‌شود این نسبت معیار قویتری برای ارزیابی سودآوری و فروش است.

$$\begin{aligned} \text{نسبت سود عملیاتی به فروش} &= \frac{\text{سود عملیاتی}}{\text{فروش خالص}} = \frac{\text{هزینه های عمومی سواری + بهای تمام شده کالای فروش رفته} - \text{فروش خالص}}{\text{فروش خالص}} \\ &= \frac{(162246 + 952176) - 1159863}{1159863} = 0/04 \end{aligned}$$

این نسبت در برابر نسبت سود خالص به فروش است و معرف آنست که هزینه‌های غیر عملیاتی نسبتاً زیاد است بخاطر بیاورید که در بخش بررسی روند دیدیم که هزینه بهره در سال 1376 نسبت به سال قبل از آن افزایش چشمگیری داشته است.



3. نسبت سود خالص به متوسط دارائیه‌ها:

این نسبت از تقسیم سود خالص به جمع دارائیه‌ها بدست می‌آید و معیار بهتری برای سنجش سودآوری واحد تجاری در مقایسه با نسبت سود خالص به فروش و نسبت سود عملیاتی است زیرا توان مدیریت را در بکارگیری موثر از دارائیه‌ها در ایجاد سود خالص نشان می‌دهد، این نسبت در شرکت X عبارت از:

$$\text{نسبت سود خالص به متوسط دارائیه‌ها} = \frac{\text{سود خالص}}{\text{متوسط دارائیه‌ها}} = \frac{28831}{(846010 + 903841) / 2} = 0/03$$

این نسبت بازده دارائیه‌های بکارگرفته شده طی دوره را نشان می‌دهد بنابراین در مخرج کسر از متوسط دارائیه‌های طی دوره استفاده شده است.

4. نسبت بازده حقوق صاحبان سهام:

این نسبت از تقسیم سود خالص منهای سود سهام ممتاز بر متوسط حقوق صاحبان سهام بدست می‌آید سود در دسترس جهت توزیع بین سهامداران عادی سود خالص منهای سود سهام ممتاز است. بازده حقوق صاحبان سهام در شرکت X عبارت است از:

$$\text{نسبت بازده حقوق صاحبان سهام} = \frac{\text{سود سهام ممتاز} - \text{سود خالص}}{\text{متوسط حقوق صاحبان سهام}} = \frac{28831 - 4812}{(465642 + 470918) / 2} = 0/05$$

این نسبت میزان موفقیت مدیریت را در حداکثر نمودن بازده سهامداران عادی نشان می‌دهد.

5. در آمد هر سهم:

سرمایه‌گذاران اغلب علاقمندند که قدرت سودآوری را مبنای سود هر سهم اندازه‌گیری کنند، روشهای مختلفی برای اندازه‌گیری وجود دارد که متداول‌ترین روش سود هر سهم است، که از تقسیم سود خالص منهای سود سهام ممتاز بر تعداد سهام عادی بدست می‌آید.



6. نسبت قیمت به سود :

این نسبت از تقسیم ارزش بازار به سود هر سهم بدست می‌آید با فرض آنکه طبق اطلاعات بازار بورس ارزش بازار سهام شرکت X در پایان سال 1376، 22.875 ریال باشد نسبت قیمت به سود عبارت از :

$$P/E = \frac{\text{نسبت قیمت به سود}}{\text{نسبت قیمت به سود}} = \frac{\text{ارزش بازار هر سهم}}{\text{سود هر سهم}} = \frac{22/875}{2/17} = 10/54$$

روند افزایش این نسبت مبین رشد واحد تجاری است که از دیدگاه سرمایه‌گذاران رشد بالقوه بسیار مطلوب است و روند کاهشی سرمایه‌گذاران و سهامداران را نگران خواهد کرد.

7. بازده سود سهام :

بازده سود سهام از تقسیم سود عادی بر ارزش بازار هر سهم بدست می‌آید ، این بازده برای شرکت X به شرح زیر است .

$$E/P = \frac{\text{بازده سود سهام}}{\text{بازده سود سهام}} = \frac{\text{سود هر سهم عادی}}{\text{ارزش بازار هر سهم عادی}} = \frac{2/17}{22/875} = 0/095$$

Ø محدودیت‌های تجزیه و تحلیل نسبت‌های مالی

نسبت‌های مالی بدلیل سادگی محاسبه و سهولت استفاده از آن بطور گسترده‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرند، بعلاوه مطالعه این نسبت‌های مالی اطلاعات بهتری از مطالعه ارقام گزارش شده بدست می‌دهد بهرحال استفاده کنندگان از صورتهای مالی باید هشیار باشند که محدودیت‌های نسبت‌های مالی ممکن است گاهگاه وضعیت مالی را بهتر از آنچه هست یا بدتر از آنچه هست جلوه دهد.

اهم محدودیت‌های نسبت‌های مالی به شرح زیر است :

- (1) در مقایسه نسبت‌های مالی شرکت‌های مختلف باید به وجوه تفاوت در رویه‌های حسابداری توجه شود و در صورت نیاز اطلاعات حسابداری برای تعدیل این تفاوت همسنگ گردد.
- (2) اغلب اطلاعات حسابداری جدای از وجود رویه‌های متفاوت بر مبنای قضاوت، برآوردها و تخصیص‌های مختلف است که مبتنی بر برداشت‌های ذهنی و فاقد قابلیت اتکای لازم است، و نسبت‌های مالی در مقابل اتخاذ رویه‌های متفاوت حسابداری بسیار حساس‌اند.
- (3) اطلاعات مورد استفاده در نسبت‌های مالی اغلب بر مبنای ارزش‌های تاریخی است که کارایی نسبت‌ها را شدیداً کاهش می‌دهد.



(4) نسبت‌های مالی جنبه‌های متفاوتی از فعالیت‌ها را در یک زمان مشخص نشان می‌دهد نسبت‌ها همانند یک نقطه در یک مسیر طولانی هستند در حالیکه واحدهای تجاری در یک محیط پویا بطور مداوم مشغول فعالیت هستند، بدین ترتیب بدون در نظر گرفتن وضعیت مالی در چرخه عملیاتی قضاوت راجع به نسبت‌ها ممکن است گمراه کننده باشد. مثلاً نقدینگی، سودآوری و گردش موجودی در طول چرخه عملیاتی متغیر خواهند بود. هنگامی که یک واحد تجاری در مسیر رشد قرار می‌گیرد سطح نقدینگی ایده‌آل است ولی در طی دوران رشد سطح موجودی افزایش و سطح نقدینگی کاهش می‌یابد و پس از طی دوران رشد مجدداً سطح نقدینگی بازسازی خواهد شد. و در دوران رکود نقدینگی و سودآوری تضعیف خواهد شد. در بررسی نسبت‌ها یک تحلیل‌گر همراه باید به چرخه عملیات توجه و نسبت به متفاوت بودن نسبت‌ها در زمانهای مختلف چرخه عملیاتی هشیار باشد.

در خاتمه تجزیه و تحلیل نسبت‌ها یکی از انواع روشهای متداول در تجزیه و تحلیل صورتهای مالی است و ارزیابی درست از شرایط اقتصادی و پتانسیل‌های آتی بایستی با توجه به تمامی متغیرهای موجود درک شود.

مثال حل شده :

صورتهای مالی در دوسال متوالی بشرح زیر است :

1375	1376	
25.200.000	27.000.000	درآمد فروش
15.360.000	15.600.000	بهای تمام شدروش رفته
9.840.000	11.400.000	سود ناخالص
(5.616.000)	(6.096.000)	هزینه های عملیاتی
(960.000)	(1.080.000)	هزینه استهلاک
(624.000)	(624.000)	هزینه بهره
2.640.000	3.600.000	سود خالص قبل از مالیات
(768.000)	(1.080.000)	مالیات
1.872.000	2.520.000	سود خالص
960.000	1.920.000	سود انباشته اول سال
(912.000)	(2.040.000)	توزیع سود سهام
1.920.000	2.400.000	



ترازنامه

1375	1376	
1.920.000	1.440.000	موجودی نقدی
2.760.000	2.280.000	حسابهای دریافتنی - خالص
5.160.000	5.520.000	موجودیها
8.400.000	9.600.000	دارائیهای ثابت
<u>18.240.000</u>	<u>18.840.000</u>	جمع دارائیهها
2.880.000	3.000.000	بدهیهای جاری
6.240.000	6.240.000	اوراق قرضه پرداختنی 10%
7.200.000	7.200.000	سهام عادی - 6.000 سهم
<u>1.920.000</u>	<u>2.400.000</u>	سود انباشته
<u>18.240.000</u>	<u>18.840.000</u>	جمع بدهیها و حقوق احبان سهام

قیمت بازار سهام در آخر سال 3.775 ریال 3.000 ریال

تجزیه و تحلیل صورتهای مالی مقایسه بشرح زیر است :

1375	1376	درصد تغییر	مبلغ تغییر	
100	100	7%	1.800.000	درآمد فروش
<u>61</u>	<u>58</u>	16%	<u>240.000</u>	بهای تمام شده کالای فروش رفته
39	42	16%	1.560.000	سود ناخالص
22	23	8%	480.000	هزینه های عملیاتی
4	4	13%	120.000	هزینه استهلاک
<u>3</u>	<u>2</u>	-	-	هزینه بهره
10	13	36%	960.000	سود قبل از مالیات
<u>3</u>	<u>4</u>	40%	<u>312.000</u>	مالیات
7	9	35%	648.000	سود بعد از مالیات
4	7	100%	960.000	سود انباشته اول سال
<u>4</u>	<u>7</u>	124%	<u>1.128.000</u>	توزیع سود سهام
7	<u>9</u>	25%	<u>480.000</u>	سود انباشته پایان سال



1375	1376	درصد تغییر	مبلغ تغییر	
10	8	%25	480.000	موجودی نقدی
15	12	%17	480.000	حسابهای دریافتنی
29	29	%7	360.000	موجودیها
46	51	%14	1.200.000	دارائیهای ثابت
<u>100</u>	<u>100</u>	%3	<u>600.000</u>	جمع دارائیهها
16	16	%42	120.000	بدهیهای جاری
34	33	-	-	اوراق قرضه پرداختنی
40	38	-	-	سهام عادی
10	13	%25	480.000	سود انباشته
<u>100</u>	<u>100</u>	%3	<u>600.000</u>	جمع بدهیها و حقوق صاحبان سهام

قیمت بازار سهام 775 %26

تجزیه و تحلیل نسبت های مالی به شرح زیر است :

$$\text{نسبت جاری} = \frac{\text{دارائیهای جاری}}{\text{بدهیهای جاری}} = \frac{1440000 + 2280000 + 5520000}{3000000} = 3/08$$

$$\text{نسبت آنی} = \frac{\text{دارائیهای آنی}}{\text{بدهیهای جاری}} = \frac{1440000 + 2280000}{3000000} = 1/24$$

$$\text{گردش موجودی} = \frac{\text{قیمت تمام شده کالای فروش رفته}}{(5160000 + 5520000) / 2} = \frac{15600000}{5340000} = 2/92$$



$$\frac{360}{360} = \frac{360}{10/7} = 33/6$$

متوسط دوره وصول مطالبات = گردش حسابهای دریافتنی

$$\frac{27000000}{\text{فروش خالص}} = \frac{18840000 + 18240000}{2} = 1/46$$

گردش جمع دارائیهها = (دارائیهها پایان دوره + دارائیهها اول دوره) / 2

$$\frac{3000000 + 6240000}{18840000} = 0/49$$

جمع بدهیهها = جمع بدهیهها به جمع دارائیهها

$$\frac{3600000 + 624000}{624000} = 6/8$$

هزینه بهره + سود قبل از مالیات = دفعات پرداخت بهره

$$\frac{2520000}{27000000} = 0/09$$

سود خالص = نسبت سود خالص به فروش

$$\frac{\text{هزینه های عملیاتی - بهای تمام شده - فروش}}{\text{فروش}} = \text{نسبت سود عملیاتی به فروش}$$

$$\frac{27000000 - 15600000 - 6096000 - 1080000}{27000000} = 0/16$$



$$\text{سود خالص} = \frac{2520000}{\frac{(18240000 + 18840000)}{2}} = \frac{7}{36} = \text{بازده جمع دارائیه‌ها}$$

$$\text{سود سهام ممتاز - سود خالص} = \frac{2520000 - 0}{\frac{(9120000 + 9600000)}{2}} = \frac{0}{26} = \text{بازده حقوق صاحبان سهام}$$